گیشه پول

بازخوانی پرونده شبکه بانکی تسهیلات تکلیفی خوداشتغالی(۹)

دولت، مقابل دولت

■ **شرق، راشل آرامیان:** زمانی‌که هیات وزیران دولت نهم، پرداخت تسهیلات بنگاه‌های زودبازده را در آخرین روزهای سال ۸۴ تصویب کرد، کسی فکر نمی‌کرد که روزی این سیاست به مناقشه‌ای میان خود دولتمردان بدل شـود. دقیقا در سال سوم اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده بود که اختلافات بر سر اجرا و عدم اجرای آن پررنگ‌تر از گذشته شد. مظاهری، رییس کل وقت بانک مرکزی به عنوان مخالف و جهرمی، وزیر کار به عنوان موافق سرسـخت اجرای این طرح، نام‌های آشنای آن روزهای دولت نهم هستند و تنش میان آن دو چندین بار به موضوع داغ رسانه‌ها بدل شد. زمانی‌که طهماسب مظاهری، ریاست بانک مرکزی را در نیمه سال ۸۶ بر عهده گرفت، در همان روزهای ابتدای کار، گزارشی را از بنگاه‌هـای زودبازده تهیه کرد و به رییس‌جمهوری داد. در ایـن گـزارش از میـزان پرداخـت و انحراف تسهیلات بنگاه‌های زودبازده به بازارهای دیگر سخن گفته شده بود. همین یک نامه کافی بود تا مظاهری در همان ابتدای امر به دشمن سرسخت جهرمی، وزیر کار دولت نهم بدل شود. با این حال این سیاست همچنان در صدر سیاست‌های دولت نهم قرار گرفت تا اینکه دو سال و اندی از پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده گذشت، هنوز اجرای این سیاست ادامه داشت تا اینکه منابع بانکی ته کشید، اضافه برداشت‌ها از خزانه بانک مرکزی آغاز شد، در نیمه راه قفلی هم بر خزانه زده شد تا بانک‌ها تنها بر منابع خود اتکا کنند. دیری نپایید که روند پرداخت تسهیلات کند و بعد از مدتی متوقف شد. در همین حین بـود که داد جهرمی درآمد و خواهان باز شدن قفل‌های خزانه بانک مرکزی شد که در آبان ۸۶ سه‌قفله شـده بود. فریادهای او فایده‌ای نداشت و اگرچه به اصطلاح کارشناسان یکی از قفل‌های خزانه شکسـته شـد با این حال جهرمی همچنان از روند اعطای تسـهیلات راضی نبود امـا مظاهری خیال باز کردن قفل‌ها را نداشت. چیزی نگذشت که اختلافات میان این دو رسانه‌ای شد اما گویا اختلافات آنان تمامی نداشت تا اینکه پای رییس‌جمهوری نیز با نوشتن یک نامه به دایره اختلافات باز شـد. جهرمی نامه‌ای برای رییس‌جمهوری نوشـت و برای پایان یافتن مشکلات پیش‌روی بنگاه‌های زودبازده از وی طلب استمداد کرد. او در این نامه خواهان عزل یک یا هر دو طرف مناقشه شـده بود. بالاخره او به خواسته‌اش رسید و در نهایت توانسـت مظاهری را در مهر مـاه ۸۷ از میدان به در کند. اما سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی کار خود را کرد و رشد نقدینگی را در سال ۸۷ به شدت کاهش داد به طوری که رشـد آن به ۱۵/۹درصد رسید. البته بهمنی که به زعم بسیاری در توافقی برای حمایت از بنگاه‌های زودبـازده روی کار آمده بود، تلاش ویژه‌ای کـرد تا منابع مورد نیاز بنگاه‌هـای زودبازده را تامین کنـد. به همین دلیل در همان آغـاز قفل‌های خزانه یکی پس از دیگری شکسـته شد تا بانک‌ها با خیالی آسوده از طرح خوداشتغالی دولت حمایت کنند. همین رخداد کافی بود تا نقدینگی مانند سـیلی روان شود. رشد نقدینگی در سال ۸۸ به ۲۳/۹ درصد رسید. البته بهمنی الحق در تامین منابـع بنگاه‌های زودبازده کم نگذاشـت به طوری که خطوط اعتباری بانک مرکزی یا به تعبیر خود بهمنی چاپ پول تنها حامی بنگاه‌های زودبازده شد. نخستین خط اعتباری به مبلغ شش هزار میلیـارد تومـان در دی ۱۳۸۷ در اختیار بانک‌ها قرار گرفت. برای این منظور مصوبه‌ای هم در هیات وزیران به تصویب رسید که براساس آن سه بانک کشاورزی، ملـی و صنعت و معدن به عنـوان بانک‌های عامل در توزیع تسـهیلات بانکی بنگاه‌های زودبازده در سراسر کشور با اختصاص خط اعتباری مربوطه تعیین شدند. بانک مرکزی نیز ماموریت یافت نسبت به جابه‌جایی قطعی سـهمیه بنگاه‌های زودبـازده بانک‌های عامل به ویژه بانک‌های مسـکن و رفـاه کارگران اقدام کند. انتقادات کارشناسـان به بنگاه‌های زودبازده و انتشار گزارش‌هـای متعدد از انحراف قابل توجه تسـهیلات این طرح، بالاخره دولـت را تا حدودی در اجرای این سیاست سست کرد با این حال این‌گونه نشد که دولت نهم به طور کامل از اجرای این سیاست دست بردارد، بلکه اجرای سیاسـت بنگاه‌های زودبازده از تب و تاب گذشـته افتاد و به صورت بسیار محدود دنبال شد. با این حساب پای تسهیلات تکلیفی که قرار بود در طول برنامه چهارم سـالانه ۱۰درصد کاهش یابد، دوباره به نظام بانکی باز شد. برخی از مدیران نظام بانکی چون محمودرضا خـاوری، مدیرعامل بانـک ملی با وجود تاکید قانون برنامه چهارم به حذف تسهیلات تکلیفی همسو با دولت از تسهیلات تکلیفی حمایت کرد و گویا هنوز هم چنین نظـری دارد. در همان روزهای انتقاد به تسـهیلات تکلیفی او در قامت رییس شورای‌عالی هماهنگی مدیران‌عامل بانک‌های دولتی ظاهر شد و در کمال ناباوری بانک‌های خصوصی را نیز موظف به تامین مالی طرح‌های مورد نظر دولت دانست: «بانک‌ها، چـه دولتی و چه خصوصی ابزارهای تامین مالی برای طرح‌هـای دارای توجیه اقتصادی هسـتند که دولت آنها را شناسـایی و معرفی می‌کند.» البته هیچ کس در دولت نیست که تسـهیلات بنگاه‌های زودبازده را تکلیفی بداند، چراکه آنها همواره اعلام کرده‌اند بانک‌ها موظفند طرح‌هـا را از نظر داشـتن توجیه اقتصادی بررسـی و بـا گرفتن وثایـق مورد نیاز تسـهیلات را پرداخت کنند. مسلم بود که اعمال دقت روند پرداخت تسهیلات را کند می‌کرد و بسیاری از طرح‌ها از دستور کار بانک‌ها خارج می‌شدند؛ امری که دولت تاب تحمل آن را نداشتند. مدیران عامل نیز برای جلوگیری از هر تنشی آن‌گونه که دولتمردان می‌خواستند رفتار کردند اما میزان بیکاری کاهش نیافت.

محمد ستاری‌فر در گفت‌وگو با «شرق»

چشم‌پوشی مراجع قضایی از تخلفات دولت

ادامه از صفحه ۴

از این‌رو افکار عمومی انتظار داشت که کیفیت تهیه و تدوین و اجرای بودجه از سـال ۸۴ به بعد بهتر از قبل شود اما در عمل آنچه مشاهده کردیم این بود که دولت اصلا به این مسایل اعتقادی ندارد.

این مسـاله منجر شـد که لایحه بودجه سـال ۸۴ با اصلاحیه‌ها و متمم‌های متعدد همراه شـود و دولت علت را تدوین برنامه توسط دولت قبلی اعلام کرد اما دیدیم که بودجه سـال ۸۵ نیز که خود دولـت آن را تهیه و تدوین کرده بود با اصلاحیه‌ها و متمم‌های متعددی همراه شد و نهایتا در ادامه این روند صدای مجلس هم درآمد که خود دولت بودجه را هرطور که میلش هست به هزینه می‌گیرد. بنابراین می‌بینیم که در پایان سـال ۸۳ حدود ۱۰درصد بودجه متفرقه بوده اسـت اما در لایحه بودجه ۹۰ بیش از ۴۰درصد از بودجه متفرقه اسـت، یعنی سـازمان اجرایی ندارد و ماموریت و هدف مشخص و معینی برای آن تعیین نشده است و بیش از ۶۰ میلیارد دلار از بودجه به‌این‌صورت در اختیار دولت اسـت و این از جمله مواردی است که در لایحه بودجه کنونی مشهود است.

آیـا پیوسـتگی، انسـجام و اسـتمراری در عملکرد اقتصادی دولت از حیث سیکل بودجه برنامه‌ای می‌بینید؟

از نظر من، قانون برنامه پنجم و لایحه‌ای که دولت ارایه کرد اصلا مطابق با سـند چشـم‌انداز نبود، در پیوستگی با برنامـه چهارم نیز نبود. برنامه پنجم نیز از دید من برنامه‌ای بود که خیلی کیفی، کلی و شعارگونه نوشته شده بود البته دولت خیلی تلاش کرد به این لایحه برنامه، هویت برنامه‌ای بدهد، اما هنوز هم از خصوصیات، ویژگی‌ها و ریشه برنامه‌ای برخوردار نیسـت و شـامل اهداف، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو نیست. لایحه بودجه سال ۹۰ نیز هیچ‌گونه ارتباط و تعاملی با آن ندارد. بنابراین سوال در این مورد که بودجه سال ۹۰ در ارتباط با قانون برنامه پنجم و سند چشم‌انداز هست یا نه در چنین فضایی موضوعیت پیدا نمی‌کند.

با توجـه به اینکه نظارت و کنتـرل بودجه از مراحل مهم نظام بودجه‌ریزی اسـت می‌بینیم که یکی دیگر از مشـکلاتی که امـروز اقتصاد ما با آن مواجه اسـت نبود شـفافیت لازم در عملکـرد دولت و عدم دسترسـی به داده‌ها و آمارهای دقیق و مورد اطمینان است، به نظر شما دلیل عدم تمکین دولت در مورد ارایه گزارش‌های درست بی‌برنامگی‌ها و افتادن در دام روزمرگی نیست؟

به مسـاله مهمی اشـاره کردید، در اقتصـاد و در لوایح بودجـه‌ای که دولت به مجلس می‌دهد منابع و مصارف باید به‌طور روشن، مشخص و شفاف در آن تصریح شود و مجلس هم هنگام بررسی لایحه بودجه میزان منابع و درآمدهایی را که باید صرف شود را تعیین و تصویب می‌کند. در اقتصاد ما تفاوت درآمد که عمدتا درآمد ارزی نفتی است با هزینه‌های دولت، حساب ذخیره ارزی را تشکیل می‌دهد. حساب ذخیره ارزی در واقع پشـتوانه پول ملی ایران است و طبق قوانین و مقررات به دولت‌ها تعلق ندارد بلکه به ملت تعلق دارد و هزینه کردن آن ممنوع و غیرقانونی است. اما دولت از سال ۸۴ اعلام کرد که موجودی حساب ذخیره ارزی محرمانه و سری است و در عمل آن را به هزینه گرفت. من در سـال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ گمان می‌کردم که اینها این مسایل موضوعه در ارتباط با ذخایر ارزی را نمی‌دانند یا متوجه نمی‌شوند اما بعدها پی بردم که خیر، این‌گونه نیست! اینها متوجه هستند و می‌دانند که دارند چه‌کار می‌کنند. دولت طبق قانون برنامه سوم و چهارم حساب ذخیره ارزی داشت که این حساب پشتوانه بودجه‌ها نیز بود، وقتی درآمد بودجه‌ای کمتر از میزان پیش‌بینی شده می‌شد، به بودجه تخصیص می‌یافت و وقتی بیشتر از آن حد می‌شد صرف اعطای تسهیلات به بخش خصوصی می‌شد. در پایان دولت خاتمی، حساب ذخیره ارزی ۱۴/۸ میلیارد دلار موجودی داشـت. از طرفی طبق قانون برنامه پنجم بنا بوده که حساب ذخیره ارزی تعطیل شود و وجوه ریالی، دلاری و ارزی به حسـاب صندوق توسعه ملی برود، اگر این کار انجام می‌شد، اکنون باید این صندوق ۷۰،۸۰ میلیارد دلار موجودی می‌داشت اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه حساب ذخیره ارزی طبق اظهارات مکرر رییس کمیسـیون تلفیق و کمیسیون برنامه و بودجه و نماینده‌های مجلس موجودی ندارد.

عکس: بهنام موذن

یکـی از آفت‌ها و آسـیب‌های جـدی قوانین بودجه عدم اجرای مناسـب آن بوده است، به این معنا که آنچه مصوب شده و آنچه در واقعیت به آن عمل شده، تفاوتی آشکار داشته که نشان‌دهنده نقض صریح قوانین است. برای رفع چنین معضلی و برطرف کردن مشکلات پیش رو کارشناسـان بر این عقیده‌اند که باید نظارت بیشتر و کارآمدتری را به عنوان ضامن اجرای قوانین انجام داد تا مجریـان نتوانند بدون توجه به قوانین مصوب و خارج از چارچوب‌های معین اقدام کنند، با این اوصاف به نظر شما بخشی‌نگری در بودجه چه در مرحله تصویب، چه اجرا و چه نظارت می‌تواند در این راستا راهگشا و موثر باشد یا این مهم ما را از کلان نگری مبتنی بر چشم‌انداز ۲۰ ساله دور خواهد کرد؟

زمانـی که بنده به سـبب مسـوولیتی که در سـازمان برنامه و بودجه داشـتم به حضور مقامات بالاتر که می‌رفتم، می‌گفتم که مشـکل ما در سـازمان برنامه و بودجه نیست. مشـکلات ما در این ۶۰سال گذشته یا از بعد از انقلاب فعلا در مسایل تکنیکی نیست. مشکل فعلا اینکه کدام خلأ را در برنامه‌هایمان داریم نیست، البته فعلا! به نظر دوستان ما در این مدت در واقع به‌صورت عقلی، علمی، با خرد و تدبیر و با روح و جان نپذیرفته‌اند که باید برنامه‌ای کار بکنند و به اجرای درست برنامه التزام داشته باشند، قبول نکرده‌اند که باید برای کشور و ملت منضبط‌تر، متخصصانه و سیستمیک کار بکنند. اگر این مسایل را بپذیریم آن‌وقت است که به قانون خوب نیاز داریم، قانونی که جامعیت داشته باشد و به صورت تئوریک و علمی در پی حل مشکلات و رفع ضعف‌ها باشد.

به عقیده من در چندین سال گذشته آنچه که کارشناسان در برنامه‌های بودجه نوشـته‌اند، بسیار بهتر از عملکرد بوده اسـت و در واقع یک شـکافی بین آنچه کارشناسان تهیه و تدویـن کرده‌اند و آنچه دولت‌ها عمـل کرده‌اند، وجود دارد. بنابراین من معتقدم که مشکل در بخشی‌نگری و مسایل فنی و تکنیکی نیست بلکه مشکل اصلی ما این است که در واقع یک التزام، تعهد و اعتقاد راسـتین و راسخی برای عملیاتی کردن قوانین و رویکردهای برنامه‌ها وجود ندارد.

جایگاه بعد نظارتـی را در مراحل تدوین، تصویب و اجرای بودجه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما دو جور نظارت و ارزشیابی در دنیا داریم: یکی نظارت و ارزشـیابی تصادفـی و سـلیقه‌ای اسـت و آن اینکه یک رییس‌جمهوری و سیستمی خودش منضبط و قانونمند باشد و این کار را انجام دهد اما بعد ممکن اسـت جانشینش این کار را انجام ندهد. این همان کاری است که آرشونگی در کره جنوبی، لی در سنگاپور، مهاتیرمحمد در مالزی و اردوغان و حزب عدالت و توسـعه در ترکیه انجام دادند، اینها در کشور خودشان به‌صورت منضبط و هدفمند، قوانینی را طرح و بحث کردند، قانون‌سـازی کردند و بسترها و سازمان‌های مناسب را فراهـم کردند. و یک نوع نظارت هم به‌صورت روشـمند و ضابطه‌منـد؛ مبتنی بر قانون و الزامات نهادی و سـازمانی اسـت. من معتقدم طبق قوانیـن خودمان مهم‌ترین ناظر و ارزیابی‌کننده خود مردم هستند.

بـا توجه به مشـکلات امـروز اقتصاد ایـران تحلیل شـما از برنامه و بودجه سال ۱۳۹۰ چیست و به نظر شما برنامه جاری می‌تواند مشـکلات کنونی را مرتفع سازد و همچنین رشد و توسعه متوازن، پایدار و بالنده بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را محقق سـازد و بستر مناسبی برای توسـعه سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورد؟

بودجه سال ۹۰ در خودش یک مشکلات ساختاری جدی دارد، نه بودجه اسـت طبق تعریف قانون محاسبات و نه برنامه یکسـاله است طبق تعریف سازمان برنامه و بودجه، نه پیوسته است به قانون برنامه پنجم و نه به سند چشم‌انداز. در بودجه سال ۹۰ منابع خیلی بالا در نظر گرفته شده و مصارف خیلی پایین، بنابراین بودجـه ۹۰ هم در منابع و هم در مصارف با یک عدم شـفافیت همراه است. دولت خواسته است که ۵۰، ۶۰میلیارد دلار به‌صورت غیرشفاف در اختیار سازمان برنامه و خودش قرار بگیرد تا هرجور که خواست آن را هزینه کند. بنابراین از طرفی دارای گسست‌ها و ناپیوستگی‌های فراوان است.

جزییات روش جدید محاسبه گازبها در مجتمع‌های مسکونی

مهـر: با نصب و راه‌اندازی نسـل جدید کنتورهـای گاز در برخی از مجتمع‌های مسکونی ضمن توقف محاسبه سنتی گازبهای مشترکان برای حل اختلاف همسایه‌ها اجرای یک روش جدیـد به منظور تفکیک هزینه گاز مصرفی خانوارها در دسـتور کار قرار گرفت. همزمان با ورود نیمه دوم سـال و افزایش مصرف گاز طبیعی در بخش‌های خانگی و تجاری، نصب و راه‌اندازی نسل جدید کنتورهای گاز خانگی در برخی از نقاط کشور آغاز شده است. زمستان سال گذشته در کنار صدور قبـوض نجومی برای تعدادی از مشـترکان خانگی، یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی نحوه تقسیم بار مالی، صورت‌حسـاب‌های گاز خانگی بود که این موضوع منجر به اختلافی بین همسایه‌ها شد، به طوری که عمدتا این محاسبه و تقسـیم‌بندی، سنتی و بر مبنای متراژ هر واحد مسکونی انجام می‌شود. بر این اساس به منظور حل اختلاف همسایه‌ها و اجـرای یک روش جدید برای تفکیک هزینه گاز مصرفی خانوارها به ویژه در مجتمع‌های مسکونی که امکان تفکیک کنتور وجود ندارد پروژه جدیدی در سطح وزارت نفت تعریف و اجرایی شده است. در حال حاضر طراحی و ساخت کنتور «حرارتی» به عنوان نسـل جدید کنتورهای گاز خانگی به پایان رسـیده است که با اسـتفاده از این کنتور، هزینه گاز مصرفی خانوارها در مجتمع‌های مسـکونی به‌وسـیله یک موتورخانه مرکزی جداگانه محاسبه خواهد شد.

ویژگی‌های نسل جدید کنتورهای گاز در مجتمع‌های مسکونی

عباس کاظمی در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه استفاده از کنتورهای جدید حرارتی موسوم به سیستم تسهیم مصرف سوخت گاز مصرفی خانوارها در مجتمع‌های ساختمانی که از یـک موتورخانه مرکزی تغذیه می‌شـوند برمبنای میزان واقعی مصرف محاسـبه خواهد شـد، گفت: با طراحی این کنتور حرارتی هزینه گاز مصرفی هر واحد مسکونی جداگانه محاسبه می‌شود. مدیرعامل شـرکت بهینه‌سازی مصرف سـوخت با اعلام اینکـه کنتورهای حرارتـی از این توانایی برخوردار بوده که با وجود مشـترک بـودن کنتور گاز یک مجتمع، هزینه گاز مصرفی هر واحد مسـکونی را مشخص و به صورت تفکیکی محاسبه کند، تصریح کرد: نحوه تقسیم هزینه گاز در مجتمع‌هایی که از کنتور مشترک گاز استفاده می‌کنند رویه خاصی ندارد و عمدتاً بر مبنای متراژ هر واحد مسکونی انجام می‌شـود که این روش به دلایل گوناگون با اعتراض برخی از مشـترکان مواجه می‌شود. به گفته وی با اجرای این روش جدید محاسـبه و نصب دستگاه‌هایی روی هر رادیاتور، میزان حرارت‌دهی سیستم گرمایشی ساختمان مشخص و اطلاعات به کنتور مادر که جلوی هر واحد نصب شـده است، ارسال می‌شـود که با این روش، میزان حرارت مصرف شده در هر واحد مسکونی تعیین و به انرژی تبدیل می‌شود. این مقام مسوول افزود: بنابراین اهالی مجتمع‌های مسـکونی می‌توانند به راحتی میزان مصرف سیسـتم‌های گرمایشی خود را اندازه‌گیری و هزینه آن را تقسیم کنند.

کاظمی با یادآوری اینکه در حال حاضر نصب و راه‌اندازی ۱۰هزار کنتور حرارتی توسط شرکت گاز در دستور کار قرار گرفته است، بیان کرد: در شرایط فعلی امکان تولید تجاری و انبوه این کنتورها در داخل کشـور به وجود آمده اسـت. به گزارش مهر، اسـتفاده از کنتـور حرارتی در مجتمع‌های مسـکونی در مواقعی که یکـی از اهالی مجتمع برای مدت طولانی به مسافرت می‌رود یا به هر دلیلی، از تمام رادیاتورهای موجود استفاده نمی‌شود، میزان مصرف هر خانوار به صورت عادلانه مشـخص می‌شـود. در حـال حاضـر دانش تولید کنتورهای حرارتی بومی شـده و بـرای تولید انبوه آن هیچ محدودیتـی وجود ندارد اما باید قانون آن در سـازمان نظام مهندسی کشور به تصویب برسد. نسل جدید کنتورهای گاز در مجتمع‌هایی قابلیت اجرا دارد که از یک موتورخانه مرکزی تغذیه می‌شوند به طوری که اجرای این طرح باعث می‌شود مبنـای مصرف انرژی تغییر کند و به جـای زیربنا یا تعداد افراد، میزان مصرف واقعی انرژی هر واحد ملاک محاسبه قرار بگیرد. هنوز جمع‌بندی نهایی درخصوص هزینه‌های تولید، نصب و راه‌اندازی کنتورهای جدید حرارتی گاز حاصل نشده است اما پیش‌بینی می‌شود هزینه این کنتورهای جدید کمتر از ۱۵۰ تا ۲۰۰هزار تومان باشد ضمن آنکه امکان اختصاص یارانه به این تکنولوژی جدید توسط دولت وجود دارد. هدف از اجـرای این طرح بهینه‌سـازی مصرف سـوخت و توزیع عادلانه صورت‌حساب سوخت مصرفی بین ساکنان آپارتمان یا مجتمع‌های مسکونی است و در این پروژه، صورت‌حساب هر واحد آپارتمانی براساس میزان حرارت مصرفی آن واحد محاسبه خواهد شد.

موتورخانه ساختمان‌ها نیروگاه می‌شود

پایین بودن راندمان تجهیزات گرمایشـی ساختمان‌ها یکی از مهم‌ترین دلایل اتلاف انرژی در سـطح کشور بوده به طوری که آمارهای رسـمی از ۴/۵ برابر بودن متوسـط شدت مصرف انرژی در ایران نسبت به استانداردهای جهانی حکایت دارد. از این رو یکی از مهم‌ترین طرح‌های مجموعه وزارت نفت، طراحی، نصب و راه‌اندازی سامانه‌های CHP در سـه اندازه مگا، مینی و میکـرو بوده که این تجهیزات در صنایـع بزرگی همچون نیروگاه‌ها، مراکز بزرگ تجاری و مجتمع‌های مسـکونی قابلیت اسـتفاده را دارد. عباس کاظمـی با بیان اینکـه با به‌کارگیری سـامانه MCHP بـر پایه فناوری موتور گازسـوز در محل مصرف، علاوه بر تولید برق، حرارت و برودت مورد نیاز از تلفات موتور قابل بازگشت است به مهر گفت: این تکنولوژی جدید منجر به افزایش راندمان تولیـد انرژی به بیش از ۸۰درصد خواهد شـد. مدیرعامل شرکت بهینه‌سـازی مصرف سوخت با اعلام اینکه سامانه MCHP بر پایه فناوری موتور گازسوز قابلیت تولید همزمان حرارت و الکتریسـیته را دارد، بیان کرد: برای تولید ۳۵ واحد الکتریسیته و ۵۰ واحد حرارت به روش متداول در ایران ۲۲۰ واحد سوخت مصرف می‌شود. وی، افزود: این در حالی است که با استفاده از سیستم‌های MCHP برای تامین همین مقدار مورد تقاضا، تنها ۱۰۰ واحد سوخت مصرف می‌شود.

خبر

پارچه‌فروشان و سازمان امور مالیاتی یکدیگر را متهم کردند

وعده‌ها نتیجه نداد، مغازه‌ها را بستیم

■ **ایسنا:** یکی از پارچه‌فروشان معترض به قانون مالیات بر ارزش افزوده که از روز سه‌شنبه دوباره مغازه خود را تعطیل کرده اسـت، دلیل این امر را محقق نشدن خواسـته‌های آنها در پی وعده نماینـدگان مجلـس و معتمدان بازار دانسـت. او کـه خواسـت نامـی از او برده نشـود، اظهار کرد: پارچه‌فروشـان پس از به نتیجه نرسـیدن خواسته‌هایشـان که در پی توافق با فراکسـیون اصولگرایـان مجلس و انجمن اسـلامی اصناف کشور انجام شـده بود، بار دیگر مغازه‌های خود را بستند.

پارچه‌فروشان به توافقات پایبند نبودند

ایـن در حالی اسـت که رییس سـازمان کل سـازمان امور مالیاتی در واکنش به ادامه اعتراض پارچه‌فروشـان برای اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده گفت: متاسفانه معترضان این صنف به هیچ یک از توافق‌های انجام شده تاکنون پایبند نبوده‌اند. علی عسـکری گفت: اگر این افراد به اجرای قانون تـن ندهند و برای پرداخت مالیات بر ارزش افزوده ثبت‌نام نکنند، ۷۵درصد به عنوان جریمه بر مالیات آنها افزوده می‌شود.

پرونده اختلاس ۶میلیاردی در گیلان کشف شد

■ **مهـر:** کارآگاهان آگاهی استان گیلان اختلاس شـش میلیارد ریالی یکی از بانک‌های اسـتان را شناسایی و یکی از اعضای آن را دستگیر کردند.
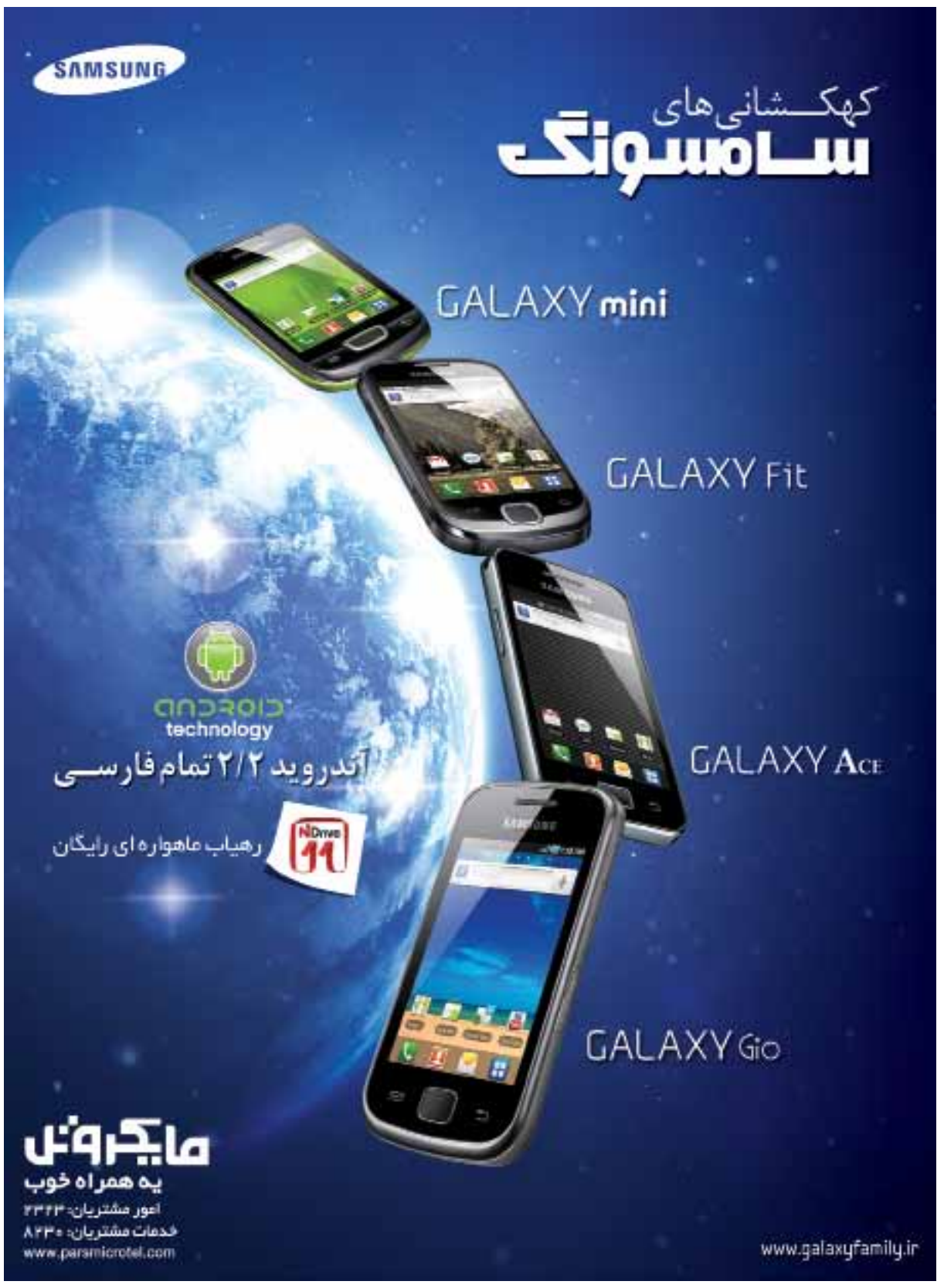
کارآگاهـان آگاهی گیلان با اعلام شـکایت حراست یکی از بانک‌های استان مبنی بر اختلاس از بانک، موضوع را مورد بررسی قرار دادند. آنان در بررسی خود مطلع شدند، یکی از کارکنان بانک مربوطه به صورت مرموز پول حسـاب مشتریان را برداشته و به حسـاب باجناق خود در یکی از صرافی‌های تهران و همچنین به حسـاب یکی دیگر از دوستانش منتقل کرده است. کارآگاهان در روند بررسی‌های خود از فرار این کارمند بانک به همراه باجناقش مطلع شدند و نفر سوم را که او نیز درصـدد فرار بود در عملیـات غافلگیرانه دستگیر کردند. کارشناسان مقدار پول اختلاس شـده را شش میلیارد ریال اعلام و هم اینک نیز درصدد دسـتگیری دو متهم متواری و بررسـی دقیق پرونده هستند.